

## Marital adjustment: The predictive role of spiritual intelligence and coping strategies

Tavakolizadeh J.\* *PhD*, Soltani A.A.<sup>1</sup> *MSc*, Panahi M.<sup>2</sup> *PhD*

\*Social Development & Health Promotion Research Center, Department of Basic Sciences, Faculty of Medicine, Gonabad University of Medical Sciences, Gonabad, Iran

<sup>1</sup>Department of Psychology, Islamic Azad University, Birjand Branch, Birjand, Iran

<sup>2</sup>Department of Psychology, Payam Noor University of Gonabad, Gonabad, Iran

### Abstract

**Aims:** Marital adjustment represents the strenght and efficiency of the family system. The family health depends on the existence of healthy and mature communications of couples; and if the family foundation is not strong enough, its outcome will be some kind of physical and mental problems. This study objective is to determine the predictive role of spiritual intelligence and coping strategies in marital adjustment of teachers in Gonabad city in 2012-2013.

**Methods:**In this correltional study, 330 teachers (160 males and 170 females) were selected using Morgan table through stratified sampling. They completed the spiritual intelligence, coping strategies, and marital adjustment questionnaires, and the collected data were analyzed through SPSS V.11.5 employing Pearson correlation coefficient and multiple regression.

**Results:** The resluts indicated that there was a significant correlation between spiritual intelligence, and marital adjustment ( $r=0.656$ ,  $P=0.001$ ), but there was no significant relationship between coping strategies and marital adjustment ( $P=0.58$ ) and also between coping strategies and spiritual intelligence ( $P=0.074$ ). However, there was a negative and significant correlation between spiritual intelligence and emotion oreinted syle ( $r=-0.39$ ,  $P<0.001$ ) from among 3 coping styles of problem oriented, emotion oriented and avoidant styles. According to the results of regression analysis, only spiritual intelligence predicts marital adjustment.

**Conclusion:** According to the findings, it is recommended that expert staff provide the younger individuals with strategies which increase spiritual intelligence including teaching the spiritual intelligence.

**Keywords:** Spiritual Intelligence, Marital Adjustment, Coping Strategies

## سازگاری زناشویی: نقش پیش بین هوش معنوی و راهبردهای مقابله ای با استرس

جهانشیر توکلی زاده\* PhD

مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت، گروه علوم پایه، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

علیرضا سلطانی MSc

گروه روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، بیرجند، ایران

محمود پناهی PhD

گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور گناباد، گناباد، ایران

### چکیده

**اهداف:** سازگاری زناشویی نشانگر استحکام نظام خانواده بوده و نقش مهمی در سلامت خانواده به عهده دارد. هدف از این پژوهش تعیین نقش پیش بین هوش معنوی و راهبردهای مقابله ای در سازگاری زناشویی فرهنگیان شهر گناباد در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ بود.

**روش ها:** در این تحقیق همبستگی، ۳۳۰ نفر (۱۶۰ زن و ۱۷۰ مرد) از فرهنگیان شهر گناباد با جدول مورگان و به روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب شده و با پرسشنامه های هوش معنوی، راهبردهای مقابله ای و سازگاری زناشویی انریچ بررسی شدند. سپس داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS 11.5 و آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند گانه تجزیه و تحلیل شد.

**یافته ها:** همبستگی معنی داری بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی وجود داشت ( $p=0/001$  با  $r=0/656$ ) ولی رابطه معناداری بین راهبردهای مقابله ای و سازگاری زناشویی ( $p=0/058$ ) و راهبردهای مقابله ای و هوش معنوی ( $p=0/074$ ) موجود نبود. از میان سه سبک مقابله ای تنها سبک مقابله ای هیجان مدار و هوش معنوی همبستگی منفی ( $r=-0/39$ ) معنی داری داشت ( $p<0/01$ ). طبق نتایج رگرسیون، تنها هوش معنوی سازگاری زناشویی را پیش بینی می کند.

**نتیجه گیری:** با توجه به این یافته ها، راهکارهای افزایش هوش معنوی از جمله آموزش هوش معنوی برای افراد از سنین پایین تر توسط کادر مجرب توصیه می شود.

**کلیدواژه ها:** هوش معنوی، راهبرد های مقابله ای استرس، سازگاری زناشویی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

\*نویسنده مسئول: drtavakolizadehj@yahoo.com

### مقدمه

توجه به معنویت در حل مشکلات زندگی، از دوران ویلیام جیمز و نگارش کتاب گوناگونی تجارب معنوی (۱۹۷۷) وی آغاز شد. او معتقد بود که معنویت موجب معنا در زندگی انسان شده و امری همگانی است و مانند هیجان درجات مختلفی دارد [۱]. مفهوم هوش معنوی برای اولین بار در روانشناسی توسط استیونز در سال ۱۹۹۶ و بعد توسط ایمونز در سال ۱۹۹۹ عنوان شد، به موازات این جریان گاردنر (۱۹۹۹) مفهوم هوش معنوی را نقد کرده و پذیرش آن را به چالش کشاند [۲]. ایمونز تلاش کرد معنویت را بر اساس تعریف چندگانه گاردنر از هوش معرفی کند. به عقیده وی، معنویت می تواند شکلی از هوش تلقی شود زیرا عملکرد

و سازگاری فرد را پیش بینی کرده و افراد را در حل مسائل و دستیابی به اهدافشان کمک می کند. گاردنر، با انتقاد از ایمونز معتقد بود باید جنبه های معنوی را که به تجربه های پدیدار شناختی مربوط اند از جنبه های عقلانی جدا کرد [۳]. علت مخالفت گاردنر با این وصف از هوش به نگاه شناخت گرایانه وی از هوش مربوط بوده است [۴].

هوش معنوی تصور کامل هوش انسانی است که قادر است احساس پیوند با یک قدرت برتر یا یک وجود مقدس را تسهیل کرده یا افزایش دهد [۵]. این هوش، به دلیل پیوند آن با معنا و پرورش تخیل، توان تغییر و تحول در فرد بوجود آورده و افراد با هوش معنوی بالا دارای انعطاف، حس الهام و شهود، خودآگاهی، نگرش کلی نگر به جهان هستی و ظرفیت روبرو شدن با دشواری ها و فرا رفتن از آن هستند [۶]. برخی از نویسندگان از هوش معنوی با نام هوش وجودی نیز یاد می کنند که به توانایی یافتن معنای زندگی مربوط بوده و مؤلفه هایی مانند توانایی ادراک ارزشهای سودمند، مدیریت خویشتن و دستیابی به اهداف با شیوه های مناسب را در بر می گیرد [۷]. به نظر ایمونز یکی از مؤلفه های مهم هوش معنوی، صفات پرهیزگارانه است که در برگزیده رفتارهایی مانند بخشش، شکرگذاری، ایثار و فداکاری و عشق مقدس می باشد [۶]، ویگلزورث به چهار هوش معتقد است که یکی از آنها هوش معنوی است به اعتقاد او، این هوش زمانی خودنمایی می کند که فرد به دنبال معنای مسائل می گردد، افرادی که از این هوش برخوردارند از صفاتی مانند برخورداری از قدرت مقابله ای بالا در مقابل ناراحتی ها، فرصت سازی از دشواری های زندگی و توانمندی در سلامت روان و کنترل خویشتن بهره مندند [۸]. الکنینز و کاندوش (۲۰۰۴)، بر این باورند که هوش معنوی موجب می شود که انسان سختی ها و استرس های زندگی را بیشتر تحمل کرده، با ملایمت و عطفوت بیشتری به مشکلات زندگی نگاه کند و تلاش بیشتری برای یافتن راه حل ها نماید [۹].

مفهوم مقابله، از دهه های گذشته به طور رسمی در حوزه روانشناسی مطرح شده است و طی سال های اخیر، مطالعات زیادی در خصوص فرایند مقابله و انواع سبک های مقابله ای در برابر استرس انجام گرفته است. پژوهش های اخیر نشان داده است که نوع راهبرد مقابله ای مورد استفاده فرد نه تنها سلامت روانی، بلکه بهزیستی جسمانی وی را نیز تحت تأثیر قرار می دهد [۱۰]. لازاروس و فولکمن، مقابله را تلاش های فکری، هیجانی و رفتاری فرد می داند که هنگام روبرویی با استرس به منظور غلبه کردن و تحمل کردن یا به حداقل رساندن عوارض استرس بکار می برد [۱۱]. بر اساس نظر لازاروس و همکاران، مقابله می تواند دو نتیجه در بر داشته باشد یا مسئله ای که استرس ایجاد کرده است را تغییر داده یا پاسخ هیجانی فرد را تنظیم کنند [۱۲]. راهبردهایی که فرد به کار می برد، بخشی از نیم رخ آسیب پذیری او به شمار می رود و به کار بردن راهبردهای نامناسب، در روبرویی با عوامل استرس زا می تواند موجب افزایش مشکلات گردد، در

سازگاری زناشویی: نقش پیش بین هوش معنوی و راهبرد های مقابله ای با استرس ۳۰۷

تصادفی از میان معلمان شاغل در شهرستان گناباد به تصادف انتخاب شدند. بدین نحو که از میان تمامی مدارس به تعداد ۲۰۰ مدرسه، ۳۰ مدرسه به تصادف انتخاب و از هر مدرسه ۳۳ فرهنگی به تصادف برای تکمیل پرسشنامه ها انتخاب شدند. به منظور رعایت اخلاق پژوهش پس از توضیحات لازم و بیان اهداف و تأکید بر محرمانه ماندن اطلاعات از نمونه های هر مدرسه با رضایت خواسته شد تا پرسشنامه های هوش معنوی (بدیع، ۱۳۸۹)، راهکار در مقابله با استرس (پارکر و اندلر، ۱۹۹۰) و سازگاری انریچ (اولسون، ۱۹۸۹) را تکمیل کنند.

پرسشنامه هوش معنوی که توسط علی بدیع و همکاران (۱۳۸۹) تدوین و اعتبار یابی شده دارای ۴۲ سؤال و ۴ عامل تفکر کلی و بعد اعتقادی (۱۲ ماده)، توانایی مقابله و تعامل با مشکلات (۱۴ ماده)، پرداختن به سجایای اخلاقی (۹ ماده) و عامل خود خواهی و عشق و علاقه (۷ ماده) می باشد. در نمره گذاری این مقیاس ۴۲ ماده ای برای هر یک از پنج گزینه (کاملاً موافق، موافق، تا حدودی، مخالف، کاملاً مخالف) به ترتیب ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، در نظر گرفته شده است. برای تعیین اعتبار، نتایج به دست آمده از همبستگی پرسشنامه با سوالات ملاک بیانگر وجود رابطه مثبت معنی دار بین آن ها بود ( $r=0/55$  و  $p=0/001$ ) که نشان می دهد، پرسشنامه از اعتبار لازم برخوردار است. ضریب پایایی این پرسشنامه با دو روش آلفای کرانباخ و تنصیف به ترتیب  $0/85$  و  $0/78$  به دست آمده است [۲۸]. در پژوهش حاضر ضریب پایایی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرانباخ  $0/82$  تعیین شد.

پرسشنامه راهبردهای مقابله ای توسط پارکر و اندلر (۱۹۹۰) برای سنجش روش های مقابله ای افراد تدوین شد. این آزمون دارای ۴۸ عبارت بوده و به سه سبک مقابله مسئله مدار، هیجان مدار و اجتنابی (هر کدام ۱۶ عبارت) مربوط است، برای تعیین امتیاز هر مقیاس نمره تمام عبارات مربوطه به زیر مقیاس مورد نظر با هم جمع می شود، ضریب آلفای کرانباخ، سه زیر مقیاس اصلی یاد شده در نمونه های مختلف از جمله جوانان، دانشجویان، بزرگسالان بالای  $0/80$  و برای دو بعد زیر مقیاس مقابله اجتنابی نیز در نمونه یاد شده بین  $0/72$  تا  $0/84$  گزارش شده است. در ایران شکری و همکاران (۱۳۸۴) ضریب آلفای زیر مقیاس های مقابله مسئله مدار، هیجان مدار و اجتنابی را به ترتیب  $0/75$ ،  $0/82$  و  $0/73$  گزارش کرده اند. در این پژوهش نیز ضریب پایایی برای کل ۴۸ عبارت این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرانباخ  $0/90$  تعیین شد. اعتبار سازه عبارات زیر مقیاس های آزمون از طریق محاسبات همبستگی هر یک از عبارات با کل عبارات زیر مقیاس های مقابله مسئله مدار، هیجان مدار و اجتنابی به ترتیب  $0/48$ ،  $0/41$  و  $0/45$  به دست آمده است [۲۹].

پرسشنامه سازگاری زناشویی توسط اولسون در سال ۱۹۸۹ با هدف تعیین حیطة های کاری و نقاط قوت روابط زناشویی طراحی گردید. این پرسشنامه دارای ۱۱۵ عبارت است که در این مطالعه از فرم کوتاه ۴۷ ماده ای آن با ۱۲ خرده

حالی که به کارگیری راهبردهای مناسب مقابله ای می تواند پیامدهای سودمند جسمی و روانی در زندگی فرد در پی داشته باشد [۱۳].

سازگاری زناشویی نیز مسئله مهمی در زندگی زن و مرد است. ایس، معتقد است سازگاری زناشویی احساسات عینی خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده از سوی همسر با در نظر گرفتن همه جنبه های زندگی زناشویی است [۱۴]. این موضوع نشانگر استحکام و کارایی نظام خانواده است، سلامت خانواده به وجود ارتباطات سالم و بالنده زوجین بستگی داشته و چنانچه پایه خانواده از استحکام لازم برخوردار نباشد، پیام منفی آن انواع مشکلات جسمی و روانی است [۱۵]. در سازگاری زناشویی رضایت زناشویی به عنوان یکی از عمیق ترین و اساسی ترین لذت های زندگی بشری اهمیت ویژه ای دارد که نبود آن یکی از بزرگ ترین سرچشمه های رنج و ناراحتی است [۱۶]. برخی از نویسندگان بیان می کنند با توجه به اینکه هوش معنوی، شامل حس معنا و حس تقدس در زندگی است و به درک متعادل از ارزش پدیده ها در زندگی کمک می کند به نظر می رسد افراد با پرورش معنویت بتوانند به سازگاری بیشتر خود کمک کنند [۳].

با توجه به مبانی نظری یاد شده به نظر می رسد بین سه متغیر هوش معنوی، راهکارهای مقابله ای و سازگاری زناشویی ارتباط وجود داشته باشد، موضوعی که با جستجوی صورت گرفته به نظر نمی رسد تاکنون مطالعه ای در مورد رابطه هر سه متغیر به طور همزمان صورت گرفته باشد. هرچند مطالعات مشابهی در مورد رابطه دو متغیری از متغیرهای یاد شده مانند رابطه بین هوش معنوی و سلامت روانی [۱۸، ۱۷]، معنویت یا مذهب و سازگاری زناشویی [۲۰، ۱۹]، هوش معنوی و راهکارهای مقابله ای [۲۱] معنویت و رضایت از زندگی [۲۳، ۲۲]، سبک مقابله ای و رضایت از زندگی [۲۴]، سبک های مقابله ای و سازگاری زناشویی [۲۵] سازگاری زناشویی و بهزیستی روانشناختی [۲۶] انجام گرفته است. برخی از پژوهشگران اظهار می دارند راهبردهای مقابله ای و تکنیک های حل مسئله با استفاده از معنویت کاربردی سازگاران از هوش معنوی بوده و به احتمال زیاد همبستگی معناداری بین سطوح هوش معنوی و سازگاری وجود دارد [۲۷]، پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش پیش بین هوش معنوی و راهبردهای مقابله ای در سازگاری زناشویی فرهنگیان شهر گناباد قصد دارد به این سؤال اساسی که آیا هوش معنوی و راهبردهای مقابله ای به استرس می توانند سازگاری زناشویی را پیش بینی کند؟ پاسخ دهد.

## روش ها

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه پژوهش تمامی فرهنگیان شهر گناباد به تعداد ۱۸۰۰ بوده که در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ اشتغال به کار داشتند. حجم نمونه این مطالعه با استفاده از جدول مورگان ۳۳۰ نفر (۱۷۰ مرد و ۱۶۰ زن) تعیین شد که با روش نمونه گیری چند مرحله ای

زناشویی و همچنین بین هوش معنوی و راهبردهای مقابله‌ای همبستگی معنی دار وجود ندارد.

جدول ۲) همبستگی میان متغیرهای پژوهش

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
سازگاری زناشویی و هوش معنوی	۰/۶۵۶	۰/۰۰۱
سازگاری زناشویی و راهبردهای مقابله‌ای	-۰/۰۶۲	۰/۰۵۸۷
هوش معنوی با راهبردهای مقابله‌ای	-۰/۱۹۳	۰/۰۷۴

جدول شماره ۳ میزان و جهت همبستگی بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی با انواع سبک‌های مقابله‌ای را نشان می‌دهد. براساس داده‌ها این جدول مشخص می‌شود، بین سازگاری زناشویی و هیچ یک از سبک‌های مقابله‌ای رابطه معنی داری وجود ندارد. هر چند ارتباط بین سازگاری زناشویی و سبک مقابله‌ای هیجان مدار منفی است اما معنی دار نمی‌باشد.

در مورد رابطه بین هوش معنوی و انواع سبک‌های مقابله‌ای مشاهده می‌شود که رابطه بین هوش معنوی و سبک مقابله‌ای مسئله‌دار و دو سبک مقابله‌ای هیجان مدار و اجتنابی به ترتیب مثبت و منفی می‌باشد. اما تنها همبستگی بین هوش معنوی و سبک هیجان مدار معنی دار می‌باشد ( $p < ۰/۰۱$ ).

جدول ۳) همبستگی بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی با انواع سبک‌های مقابله‌ای

متغیرها	R	سبک مسئله‌دار		سبک هیجان مدار		سبک اجتنابی	
		سطح معنی داری	R	سطح معنی داری	r	سطح معنی داری	
سازگاری زناشویی	۰/۰۱۲	۰/۲	-۰/۱۲	۰/۲۱	۰/۰۸۲	۰/۴۳	
هوش معنوی	۰/۰۵۲	۰/۵۶	-۰/۳۹	...	-۰/۱۵	۰/۱۱	

داده‌های جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که به طور کلی مدل رگرسیون همزمان با ورود متغیرهای پیش بین (هوش معنوی) به معادله با استفاده از روش stepwise توانسته است متغیر ملاک را پیش بینی کند زیرا سطح معنی داری مربوطه از مقدار ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد ( $p < ۰/۰۵$ ).

با توجه به جدول شماره ۵ به ازای یک واحد تغییر در متغیر هوش معنوی، متغیر ملاک به طور متوسط به اندازه ۱/۶۳۴ تغییر می‌کند. با توجه به جدول شماره ۶ مشخص می‌شود ۰/۶۲ تغییرات متغیر پیش بین توسط مدل قابل تبیین است. با توجه به نتایج یاد شده هوش معنوی توانسته است سازگاری زناشویی را پیش بینی کنند اما راهبرد مقابله‌ای توانایی پیش بینی آن را نداشته است.

مقیاس استفاده شد. پاسخ به سؤالات پنج گزینه‌ای (کاملاً موافق، موافق، نه موافق و نه مخالف، مخالف، کاملاً مخالف) بوده که پاسخ به هر گزینه از یک تا پنج امتیاز داده می‌شود و در نهایت پس از پاسخ‌گویی، نمرات با هم جمع می‌شوند. اولسون و دیگران پایایی این پرسشنامه را با روش آلفای کرانباخ ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند [۳۰]. زیر مقیاس‌های سازگاری زناشویی در این پرسشنامه عبارتند از: پاسخ‌دهی، رضایت زناشویی، موضوعات شخصیتی، ارتباطات زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، اوقات فراغت، روابط جنسی، ارتباط با خانواده اصلی و دوستان، نقش‌های همسری و جهت‌گیری عقیدتی. مهدویان ضریب پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش بازآزمایی برای گروه زنان و مردان ۰/۹۴ به دست آورده است. ضریب همبستگی این پرسشنامه با مقیاس رضایت زندگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ و با مقیاس رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ به دست آمده که نشانه‌روایی سازه آن است. همچنین تمامی زیر مقیاس‌های این پرسشنامه، زوج‌های راضی و ناراضی را متمایز کرده و نشان می‌دهد که این پرسشنامه از روایی ملاکی خوبی برخوردار است. در پژوهش حاضر ضریب پایایی این آزمون با روش آلفای کرانباخ ۰/۹۱ به دست آمد.

شیوه اجرا بدین صورت بود که بعد از تصویب موضوع و آماده‌سازی پرسشنامه و گرفتن معرفی نامه از دانشگاه جهت معرفی به آموزش و پرورش شهرستان گناباد، مجوز مربوطه از اداره متبوع گرفته شده و بعد از انتخاب تصادفی مدارس و نمونه‌های هر مدرسه به مدارس مراجعت و بعد از توجیه همکاران با در نظر گرفتن محرمانه بودن اطلاعات از آنان خواسته شد که به سؤالات صادقانه جواب دهند. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS 11.5 و آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه انجام شد.

## نتایج

جدول شماره ۱ میانگین و انحراف معیار نمره آزمودنی‌ها در پرسشنامه‌های سازگاری زناشویی، هوش معنوی و راهبردهای مقابله‌ای را نشان می‌دهد.

جدول ۱) شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
سازگاری زناشویی	۱۳۵/۹۸	۲۵/۰۶
هوش معنوی	۹۲/۷۲	۱۳/۲۷
راهبردهای مقابله‌ای	۱۳۵/۲۳	۲۳/۷۴

جدول شماره ۲ میزان و جهت همبستگی میان متغیرهای پیش بین با متغیر سازگاری زناشویی را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی در سطح کمتر از ۰/۰۵ رابطه مثبت و معنادار دیده می‌شود. در حالی که بین راهبردهای مقابله‌ای و سازگاری

جدول ۴) منابع تحلیل واریانس سازگاری زناشویی از طریق هوش معنوی و راهبردهای مقابله ای

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۲۳۳۱۶/۵۸۹	۱	۲۳۳۱۶/۵۸۹	۱۰۰/۸۹۶	۰/۰۰۰
خطا	۱۳۸۶۵/۶۸۵	۶۰	۲۳۱/۰۹۵		
کل	۳۷۱۸۲/۲۷۴	۶۱			

جدول ۵) ضرایب مدل رگرسیون پیش بینی متغیر سازگاری زناشویی از طریق هوش معنوی و راهبردهای مقابله ای

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد شده		سطح معنی داری
	$\beta$	خطای معیار	$\beta$	t	
مقدار ثابت	-۱۶/۶۲۵۲	۱۵/۶۳۴	-۱/۰۶۳	-۱/۰۶۳	۰/۲۹۲
هوش معنوی	۱/۶۳۴	۰/۱۶۳	۰/۷۹۲	۱۰/۰۴۵	۰/۰۰۰

جدول ۶) میزان واریانس تبیین شده متغیر ملاک توسط متغیرهای پیش بین

R2	R2 تعدیل شده	R
۰/۶۲۱	۰/۶۲۷	۰/۷۹۲

## بحث

یافته های پژوهش حاضر نشان داد که بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج مطالعات مشابه در این زمینه همخوانی دارد [۲۴،۲۲،۱۹،۱۷]. چنین به نظر می رسد معنویت به عنوان یکی از والاترین نیازهای انسان و شکلی از هوش، نقشی بنیادی در حل مشکلات زندگی افراد بازی کرده و به عنوان تکیه گاهی مهم به زندگی همسران معنا می دهد. احتمالاً هوش معنوی به افراد کمک می کند سختی های زندگی را تحمل کرده و راه حل های آن را بیابند و به زندگی خود پویایی و حرکت دهند [۹]. چنین پویایی احتمالاً در روابط زناشویی افراد هم مؤثر بوده و به آنان کمک می کند معنای غنی تر و عمیق تری از زندگی به دست آورند و با افق بازی که کسب می کنند در برابر مشکلاتی که رضایت زناشویی را تحت شعاع قرار می دهد مقاوم تر شوند و احساس نشاط و سلامتی بیشتری داشته باشند.

یافته ها همچنین مشخص کرد هیچ رابطه معنی داری بین هوش معنوی و راهبردهای مقابله ای و بین سازگاری زناشویی و راهبردهای مقابله ای وجود ندارد که این نتایج با مطالعات دیگر در این زمینه همسویی ندارد [۲۵،۲۱]. البته در تبیین این یافته باید به این موضوع اشاره کرد که پرسشنامه راهبردهای مقابله ای به سه سبک مقابله ای مسئله مدار، هیجان مدار و اجتنابی مربوط است که در همبستگی این متغیر با دو متغیر هوش معنوی و سازگاری زناشویی به نمره کلی پرسش نامه توجه شده که برای ارزیابی دقیق تر، همبستگی سه سبک مقابله ای نیز با دو متغیر یاد شده تعیین شده است. نتایج در این زمینه نشان می دهد تنها بین سبک هیجان مدار با هوش معنوی ارتباط منفی معنی داری وجود دارد. این یافته

حکایت از آن دارد هرچه هوش معنوی بالا می رود از سبک مقابله ای هیجان مدار افراد نمونه در برخورد با مشکلات کاسته می شود.

داده های به دست آمده از مدل رگرسیون نشان داد از بین دو متغیر هوش معنوی و راهبردهای مقابله ای تنها هوش معنوی پیش بینی کننده سازگاری زناشویی می باشد. این یافته با نتایج مطالعات مشابه در زمینه هوش معنوی و سازگاری زناشویی همسویی داشته [۲۲،۱۹،۱۷]، ولی با یافته های مطالعات مشابه در مورد رابطه بین راهبردهای مقابله ای و سازگاری زناشویی همخوانی ندارد [۲۴،۲۳]. در تفسیر این موضوع، می توان گفت معنویت در سازگاری زناشویی نقش مهمی دارد. احتمالاً معنویت با دید و افق گسترده ای که در ذهن آدمی فراهم می سازد نیروی سازشی عمده ای در روابط زن و مرد به وجود می آورد. کریک پاتریک با رویکردی تحولی معتقد است، دین و معنویت در طول تاریخ تکامل انسان برای حل مشکلات بشر سازوکارهای روان شناختی مختلفی را به ارمغان آورده که بیانگر کارکرد تکاملی آن می باشد [۳۱]. به هر حال به نظر می رسد هوش معنوی بتواند حداقل در سازگاری زناشویی و حل مشکلات زناشویی و کاهش اثرات منفی استرس های مربوط به آن مؤثر باشد هر چند راهبردهای مقابله ای نتوانسته است سازگاری زناشویی را پیش بینی کند که این یافته با نتایج برخی از مطالعات مشابه انجام شده همخوانی ندارد [۲۴،۲۳]. البته برای ارزیابی دقیق تر نقش پیش بین راه کاره های مقابله ای اینجا هم بهتر بود به جای نمره کلی راه کاره های مقابله ای به نمره سه سبک مقابله ای به طور مجزا توجه می شد.

## نتیجه گیری

به طور کلی نتایج این پژوهش نشان می دهد که بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. اما هیچ رابطه معنی داری بین هوش معنوی و راهبردهای مقابله ای و بین سازگاری زناشویی و راهبردهای مقابله ای وجود ندارد. از بین سه سبک مقابله ای تنها سبک مقابله ای

8- Wigglesworth C. Spiritual Intelligence and Why It Matters. Retrieved from www. ConsciousPursuits.com.

9- Elkins M, Cavendish R. Developing a Plan for Pediatric spiritual care. *Holist Nurs Pract.* 2004; 18(4):179-86.

10- Ireland JL, Boustead R, Ireland CA. Coping style psychological health among adolescent prisoners: a study of young juvenile offenders. *J Adolesc.* 2005;28(3):411-23.

11- Taghipour A. the relationship between coping strategies, chemotherapy and anxiety resulting from it [dissertation]. Azad University of Roude Hen:2004.

12- Sarofino A; Mirzayi E. Health psychology. Tehran: Roshd;2006.

13- DaeiPour P. The pilot study of young coping scale in students of Thehran city [dissertation]. Tehran Psychiatric Institute: 1999.

14- Sadeghi S. the assessment of related personality factors in marital adjustment in Esfahan city. *Cultur and Research.* 2006;187: 30-40.

15- Satir V. people making, translated by Birashk B. Tehran: Roshd; 1997.

16- McKay M, Fanning P, Paleg K; GozarAbadi M. Couple Skills. Tehran: Resa Corporation; 2009.

17- Ghobari Bonab B, Lavasani M, Mohamadi MR. Developing a religiosity scale for Iranian college students. *J Psychol Edu.* 2008; 38(3):23-45.

18- Moalemi S, Bakhshani NM, Raghibi M. On the relationship between mental health, spiritual intelligence and dysfunctional attitudes in students of Sistan and Baluchestan. *J Fundament Ment Health.* 2011; 12(4): 702-9.

19- Stein TH. A classical adlerian perspective on the style of life ". Retrieved 2004 From <http://our world: CompuServe Com/ homepages/hstein/qu- style. Htm>

20- Ahmadi Kh, Fathi Ashtiani A, Arabnia AR. The relationship between religion and marital adjustment. *J Famil res.* 2007;2(5):55-67.

21- Dada F, Manshaee Gh, Ebrahimi A. Comparison of spiritual intelligence and strategy For coping with stress in women who are suffering from breast cancer and digestive system cancer in Esfahan city. *J Basic Appl Sci Res.* 2013;3(8):319-24.

22- Okulicz-Kozaryn A. Religiosity and Life Satisfaction. (A Multilevel Investigation across

هیجان مدار با هوش معنوی ارتباط منفی معنی داری دارد. بین دو متغیر هوش معنوی و راهبردهای مقابله‌ای تنها هوش معنوی پیش‌بینی‌کننده سازگاری زناشویی می‌باشد. بنابراین به نظر می‌رسد با استفاده از پرورش هوش معنوی افرادی توان رسیدن به اهداف مطلوب زندگی که منجر به ارتقاء سطح سازگاری زناشویی می‌گردد، یاری نمود. این مطالعه از محدودیت‌هایی هم برخوردار بوده است که عبارتند از: محدود شدن نمونه‌های پژوهش به فرهنگیان شهر گناباد، محدود بودن منابع اطلاعاتی به ابزارهای خودسنجی و امکان سوگیری در آن، حجم زیاد سؤالات پرسشنامه‌ها و امکان خستگی آزمودنی‌ها، ارتباط پرسشنامه سازگاری زناشویی با مسایل خصوصی و امکان شرم آزمودنی‌ها در پاسخ درست، تغییر برخی از کلمات و عبارات پرسشنامه به ویژه در مورد رابطه جنسی به توصیه آموزش پرورش و جایگزینی آن با رابطه زناشویی با صلاح دید استاد راهنما.

**تشکر و قدردانی:** این مقاله حاصل پایان‌نامه دانشجویی مقطع کارشناسی ارشد روان‌شناسی می‌باشد. لازم است از تمامی مسؤولان و فرهنگیان آموزش و پرورش گناباد به پاس مساعدت‌ها و همیاری صادقانه‌شان تقدیر و تشکر گردد.

#### منابع

1- Vaughan F. What is spiritual intelligence? *Journal of Humanistic psychology.* 2002;42(2): 16-33. [Persian]

2- Sohrabi F. Foundation of spiritual intelligence. *Quarterly of Mental Health.* 2009; 1 (1): 23-30.

3- Amram Y, Dryer C. The Development and Preliminary Validation of the Integrated Spiritual Intelligence Scale (ISIS). Palo Alto, CA: Institute of Transpersonal Psychology Working Paper. 2007 Available on <http://www.geocities.com/isisfinding>

4- Nasel DD. Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: A new consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality. [Dissertation], University of South Australia Australia: 2004

5- Zohar D, Marshal I. SQ – Spiritual intelligence the ultimate intelligence. London: BLOOMBURY; 2000.

6- Emmons RA. IS spirituality an intelligence? Motivation, Cognition, and the psychology of ultimate concern. *Int J Psychol relig.* 2000; 10(1): 3-26.

7- Halama P, Strizenec M. Spiritual, existential or both? Theoretical considerations on the nature of higher intelligence. *Studia Psychologica.* 2004; 43(3):239-53.

- 27- King DB, DeCicco TL. A Viable Model and Self-Report Measure of Spirtitual Intelligence. *Inte J Transperson Studie*. 2009; 28: 68-85
- 28- Badie A. Spiritual intelligence and its relation with the position control; the first conference of psychology religion and culture. Tehran: 2012.
- 29- Shokri O, Moradi AR, Farzad V, Sangari AA, Ghanayi Z, Rezayi A. The role of personality traits and coping styles in students' mental health. *Advances Cogniti Sci*. 2005; 7(1): 28-37
- 30- Rahmani Bilondi MM. Relationship between of attachment style and marital satisfaction [dissertation]. Azad University of Birjand: 2009.
- 31- Kirkpatrick, LA. Shillito DJ, & Kellas SL. Toward an evolutionary psychology of religion and personality. *J personal*. 1999; 67: 921- 52.
- Nations). Institute for Quantitative Social Science, Harvard University. 2009
- 23- Naderi F, Askari P, Roshani KH, Mehri Aderiani M. The relationship between spiritual intelligence, emotional intelligence and lif satisfaction in adults. *J New Result Psychol*. 2010;5(13):127-38.
- 24- Maltby J, Day L, McCutcheon LE, Gillett R, Houran J, Ashe DD. Personality and coping: A context for examining celebrity worship and mental health. *Br J Psychol*. 2004; 95(pt4): 411-28.
- 25- Bodenmann G, Pihet S, Kayser K. The relationship between dyadic coping and marital quality: A 2-year longitudinal study. *J Fam Psychol*. 2006; 20(3): 485-93.
- 26- Darvize Z, Kohaki F. The relationship between marital adjustment and psychological wellbeing. *Womens studies*. 2008; 6(1): 91-104.